



## **پشت پرده سفر مقتدی صدر به عربستان و امارات چیست؟/ چرخش تاکتیکی شیعه‌کش‌ها به سمت شیعیان/ چرا سعودی‌ها به فکر کشاورزی در استان «المثنی» عراق افتادند؟**

دیدار سید مقتدی صدر با ولی عهد عربستان سعودی و همچنین ولی عهد امارات نشان داد، شیوخ عرب و رهبر جریان صدر رویکردهای جدیدی را در عراق و در قبال پرونده‌های منطقه ای اتخاذ کرده اند.

به گزارش آران نیوز: سید «مقتدی صدر»، سی ام جولای گذشته به دعوت رسمی «محمد بن سلمان»، ولی عهد سعودی در اقدامی غیر معمول و کم سابقه به عربستان سفر کرد. سفری که در ابتدا با هدف شرکت در مراسم حج از آن یاد شد، اما دیدار وی با محمد بن سلمان و سپس بیانیه ای که دفتر وی منتشر کرد و در ادامه سفر به کشور امارات و دیدار با مقامات اماراتی از جمله «محمد بن زاید»، ولی عهد و «عبد الله بن زاید» وزیر خارجه این کشور نشان داد، مقتدی صدر چرخشی آشکار را در رویکردهای منطقه ای خود آغاز کرده است.

سید مقتدی صدر و رویکردهای سیاسی اش

سید مقتدی صدر ۴۳ ساله شناخته شده ترین فرد بازمانده از خاندان صدر است، روحانی سرشناس شیعی، رهبر جریان صدر و از سیاستمداران در عراق به حساب می آید که به اتخاذ مواضع و سیاست های متناقض در عرصه سیاست در عراق و منطقه شاخه می شود.

رویکردهای سیاسی صدر تاکنون با تناقض های متعددی همراه بوده و می رود تا به یکی از شاخص های زندگی سیاسی وی تبدیل شود، از جمله اینکه صدر در ابتدای بحران سوریه، تحولات سوریه را مسئله ای داخلی عنوان کرده بود که کشورهای خارجی نباید در آن دخالت کنند، اما اخیرا خواستار کناره گیری «بشار اسد»، رئیس جمهوری سوریه از قدرت شده بود.

همچنین، از سوی دیگر در ماه های اخیر نیز صدر از حضور ایران در عراق و سوریه انتقاد و به نیروهای مورد حمایت ایران در منطقه از جمله نیروی بسیج مردمی عراق موسوم به «الحشد الشعبی» تاخته و حتی خواستار انحلال آن شده بود.

هم زمان با این اظهارات صدر در حمایت از سیاست های عربستان بیان کرده بود، اظهاراتی که می تواند، نشانه چرخش دوباره صدر در قبال ایران تلقی شود.

دلایل تناقض رویکردی صدر

یکی از دلایل تناقض رویکردی مقتدی صدر را باید در عدم هم راستایی مواضع وی با تهران ملاحظه کرد، اختلافاتی که در سال های آخر نخست وزیری «نوری المالکی» پر رنگ تر شده بود.

طی دوران نخست وزیری نوری المالکی، صدر بارها برای اعمال قدرت و نفوذ در اعتراض به تصمیمات دولت وقت عراق به بغداد لشکر کشی کرد تا جایی که نیروهای وفادار به وی در سال ۲۰۰۸ مستقیما با ارتش و نیروهای امنیتی عراق درگیر شدند و پس از بازداشت بسیاری از آنها، صدر گفت که ارتش مهدی را منحل خواهد کرد.

تناقض سیاسی صدر در دوران نخست وزیری «حیدر العبادی» با دادن فراخوان های اعتصاب و اعتراض در منطقه «الخضراء» بغداد نیز ادامه یافت و در این راستا نیروهای هوادار صدر تابستان گذشته در اعتراض به دولت به پارلمان و ساختمان نخست وزیری حمله کرده و خسارات فراوانی برجا گذاشتند.

سفر صدر به عربستان

در ادامه تناقض های رویکردی صدر، رسانه های عراقی ماه گذشته در خبری غافلگیر کننده و سوال برانگیز از سفر رئیس جریان صدر به عربستان سعودی و دیدار وی با محمد بن سلمان خبر دادند، هنوز این خبر توسط محافل داخلی و منطقه ای هضم نشده بود که خبرگزاری ها اعلام کردند که رئیس جریان صدر طی دعوتی رسمی از سوی دولت امارات، به ابو ظبی سفر کرده و برای این سفر اماراتی ها حتی هواپیمایی اختصاصی در نظر گرفته بودند؛ سفرهایی که از تحرکات گسترده سعودی ها و اماراتی ها برای ورود به عرصه تحولات عراق از دریچه سید مقتدی صدر و جریانش حکایت دارد.

آغاز چرخش عربستان به سمت عراق

بی تردید، چرخش رویکرد سعودی ها به سمت عراق، یک باره صورت نگرفت، همان گونه که سفر مقتدی صدر به عربستان تصمیمی نبود که یک شبه گرفته شده باشد، بلکه مقدمات و زمینه های آن به ماه ها قبل باز می گردد.

پیش زمینه چرخش رویکرد عربستان به سمت عراق به زمان انتخاب «ثامر السبهان» به عنوان سفیر عربستان در بغداد و اعزام وی به عراق باز می گردد. سعودی ها تصور می کردند، با اعزام سفیر خود به عراق و تصمیم به افزایش سطح روابط دیپلماتیک با بغداد، اجازه دخالت در امور داخلی عراق را خواهند یافت و سفیر آنها می تواند، در مناطق شیعه نشین و سنی نشین جولان دهد و سیاست های سعودی ها در عراق پیاده کند و تا جایی پیش رود که نه تنها الحشد الشعبی را به موضوعاتی بی پایه و اساس متهم کند، بلکه ثابت شود با برخی از گروه های تروریستی در عراق نیز ارتباط داشته است.

تحرکات سعودی ها در عراق سرانجام به اخراج ثامر السبهان از بغداد منجر شد، اخراجی که برای عربستان که خود را برتر از عراق می داند و به این کشور به عنوان یک کشور تجزیه شده و غرق در مشکلات نگاه می کند، بسیار گران آمد.

پس از اخراج سفیر عربستان، سعودی‌ها برای مدتی از اعزام مجدد سفیر به بغداد خودداری کردند تا بار دیگر روابط دو کشور به سردی گرایش پیدا کند، اما تحولات امنیتی و نظامی عراق غرب عراق و شکست‌های سنگینی که داعش از سوی الحشد الشعبی متحمل می‌شد، جایی برای غرور و تکبر سعودی‌ها باقی نمی‌گذاشت.

لذا به ناگهان بیست و پنجم ماه فوریه گذشته و پس از ۲۷ سال شاهد سفر بی‌مقدمه «عادل الجبیر»، وزیر خارجه عربستان به بغداد بودیم. در آن زمان تحلیلگران دلایل سفر الجبیر به بغداد را به هراس افتادن ریاض از پیروزی‌های پی‌درپی ارتش و الحشد الشعبی عراق در مبارزه با داعش به ویژه در مناطق سنی‌نشین و همچنین شکست سیاست‌های عربستان در مصر، عراق، یمن و سوریه که موجب انزوای منطقه‌ای ریاض شده، ارزیابی کردند.

همچنین سفر عادل الجبیر به عراق در آن بازه زمانی بسیار مهم و سرنوشت‌ساز برای دولت و ملت عراق نشان داد، گرفتاری سعودی‌ها در کشورهای نظیر سوریه و یمن موجب فراموشی عراق توسط آنها نخواهد شد و مقامات ریاض همچنان بر ایفای نقش پررنگ در عرصه تحولات عراق، پافشاری می‌ورزند و نسبت به آنچه در عراق می‌گذرد، بی‌تفاوت نیستند.

سفر وزیر خارجه عربستان به بغداد در دل خود هر هدفی را دنبال می‌کرد، پیش‌زمینه سفر مقتدی صدر به عربستان را هموار نمود و انجام این سفر تنها نشان‌دهنده تغییر رویکرد سعودی‌ها در قبال عراق نبود، بلکه بسیاری از پرونده‌های مهم و حساس منطقه‌ای به ویژه راهبرد سعودی تقابل با جمهوری اسلامی ایران را نیز در برمی‌گیرد.

سرمایه‌گذاری در انتخابات آینده عراق

از نکات حائز اهمیت در سفر مقتدی صدر به عربستان و اهداف سعودی‌ها در پس دعوت از رهبر جریان صدر، انتخابات آینده عراق است، در واقع دیدار بن سلمان با صدر نشان داد، سعودی‌ها نمی‌خواهند، بار دیگر دولت شیعی اکثریتی، ابتکار عمل را در عراق در دست گیرد. به این منظور پیش‌بینی می‌شود، عربستان دو سناریو را در عراق پیاده کند:

سناریو اول

سناریو اول این است که عربستان به حمایت خود از جریان‌های سنی طرفدارش در عراق ادامه داده و آنها را تقویت کند که جریان‌هایی در اقلیت هستند، چون بسیاری از سنی‌های عراق دستکم در این برهه زمانی و پس از برملا شدن نقش سعودی‌ها در مصایبی که این مردم در عراق و سوریه متحمل شدند، از هرگونه همکاری و همراهی با سعودی‌ها روی گردان شده‌اند.

اکنون افکار عمومی منطقه چه شیعه چه سنی می‌دانند، گروهی چون «داعش» زابیده چه کشوری است و از سوی چه طرف‌هایی در منطقه حمایت می‌شود و به خاطر اهداف این طرف‌های منطقه‌ای چه تاوان‌هایی که اهل سنت پرداخت نکرده است.

از یاد نبریم، داعش در حالی داعیه رهبری اهل سنت در جهان اسلام را داشت که دارای اختلافات ریشه‌ای با بسیاری از جریان‌های سنی بود و مصایبی که این جریان‌ها متحمل شدند، کمتر از مصایب شیعیان نبود، اگر غیر از این بود، هیچ‌گاه مناطق سنی‌نشین تحت تصرف داعش در عراق، اولاً بر علیه این گروه نمی‌شوریدند، دوماً از الحشد الشعبی که بنابر ادعای مغرضان و مخالفان، نیرویی شیعی است، درخواست یاری و کمک نمی‌کردند، تا مناطق آنها را از سیطره و اشغال داعش آزاد کند و از نیروهای الحشد الشعبی هنگام ورود به مناطقشان آنگونه استقبال نمی‌کردند و به آنها پناه نمی‌بردند.

صرف نظر از اینکه ده‌ها گروه سنی در الحشد الشعبی در کنار گروه‌های شیعی در یک صف در حال مبارزه با داعش هستند و تاکنون خبری مبنی بر وجود اختلاف و رویارویی بین این گروه‌ها یا تبعیض بین آنها منتشر نشده است، چون اهدافی که این نیروی مردمی دنبال می‌کند، اهدافی کلان و نگاهش، نگاهی ملی و فراگروهی و طایفه‌ای است.

به همین دلیل الحشد الشعبی به جای ایجاد تفرقه و اختلافات طایفه‌ای و مذهبی در عراق، موجب تحکیم پایه‌های وحدت ملی و استحکام صفوف داخلی در این کشور میان طوایف و عشایر مختلف عراق شده است.

بدون تردید سعودی‌ها به تمام این تحرکات و تحولات واقف هستند و می‌دانند، همچون گذشته جایگاهی در میان اهل سنت عراق ندارند و از این حیث به شدت از برخی جریان‌های سنی عراق مانند ائتلاف احزاب سنی عراق خشمگین هستند. لذا حمایت از اندک سنی‌های هوادار این کشور در عراق در قالب تزریق دلارهای نفتی به آنها را ادامه خواهند داد.

منابع عراقی تصریح می‌کنند که عربستان سعودی طی انتخابات سال ۲۰۱۴ عراق ۴۰۰ میلیون دلار به «صالح المطلق»، رهبر «فهرست العراقیه عربی» کمک مالی کرده بود تا در تبلیغات انتخاباتی هزینه کند.

این در حالی است که طرف‌های دیگری نیز در عراق از عربستان کمک مالی دریافت کرده‌اند. افرادی که در بانک‌های بیروت به نفع برخی تشکل‌های سیاسی عراق فعالیت می‌کنند، نسخه‌ای از سند پول‌های واریز شده توسط عربستان به حساب صالح المطلق را به سرویس اطلاعات عراق ارائه کرده‌اند. این پول‌ها به حساب فردی به نام «مناف العانی»، از افراد نزدیک به المطلق واریز شده بود.

سناریو دوم

سناریو دوم سعودی‌ها نفوذ بین شیعیان عراق و ایجاد تفرقه میان آنهاست. سیاست عربستان در این راستا، حمایت مالی از برخی از جریان‌های شیعی است که نزدیک‌ترین گزینه در این رویکرد جریان مقتدی صدر است که هم با دولت، هم با مرجعیت عالی دینی عراق و هم با دیگر جریان‌های این کشور اختلافاتی دارد.

این اختلافات زمینه ائتلاف جریان صدر با جریان‌های شیعی سکولار مثل جریان ایاد علاوی که در دور قبلی انتخابات پارلمانی عراق شاهد حمایت‌های مالی فراوان ریاض از وی و فهرستش «العراقیه» بودیم، یا بعضی‌های قدیم و حتی کمونیست‌ها،

سوسیالیست ها و ملی گرایان وجود دارد.

عربستان سعودی به این وسیله تلاش خواهد کرد، انسجام موجود بین جریان های شیعی عراق را هدف گیرد. بالطبع اولین هدف این اقدام از بین بردن اکثریت آرایی است که شیعیان همواره در انتخابات عراق به دست آورده و دولت های خود را تشکیل داده اند.

شیعیان عراق حداقل ۶۷ درصد مردم این کشور را تشکیل می دهند، بر این اساس هر انتخاباتی که در این کشور برگزار شود، پیروزی با آنها خواهد بود و برای اینکه ائتلاف شیعیان در پارلمان عراق اکثریت را به دست نیابد، دولت را در دست نگیرد، کابینه را تشکیل ندهد و پارلمان را تصاحب نکند، عربستان باید بین شیعیان یارگیری کند و به این طریق مانع تشکیل فراکسیون اکثریت توسط آنها شود.

اگرچه با پیروزی هایی که الحشد الشعبی بر داعش به دست آورده، نفوذ و حاکمیت دولت عراق و شیعیان تقویت خواهد شد که قطعاً خوشایند سعودی ها نیست، چون معتقدند، هر قدر شیعیان در عراق تقویت شوند، بیشتر به سمت ایران میل پیدا خواهند کرد، به همین دلیل قطعاً بعد از موصل نقشه ها و طرح هایی را برای مقابله با این شرایط آماده کرده اند که تخریب و لطمه زدن به وجه و اعتبار الحشد الشعبی توسط ارگان های تبلیغاتی و سیاسی وابسته و نفوذ در جریان های شیعی مانند همین جریان صدر از جمله این نقشه ها و طرح هاست.

مقابله با جمهوری اسلامی ایران در عراق

قطعاً آمریکا و هم پیمانان آنها در منطقه، روابط عالی، گسترده و متنوع بین ایران و عراق را نمی پسندند، لذا تمام تلاش آنها بر این است که این روابط را بر هم بزنند.

این موضع و رویکرد جدیدی نیست که از سوی سعودی ها شاهد آن باشیم، بلکه قدمتی دیرینه دارد، آنچه در این مقوله تازگی دارد، راهبردهای اجرایی این سیاست است. یک زمانی این سیاست با راهبرد رویارویی و جنگ مستقیم و زمانی دیگر از طریق دور زدن این رابطه به وسیله تطمیع و تقدیم کمک های قابل توجه مالی پیاده و اجرایی می شد که تماماً با شکست مواجه شدند.

از سوی دیگر، آمریکا و هم پیمانان منطقه ایش می دانند که نمی توانند، در عراق با ایران وارد جنگ شوند و قطعاً بازنده این نبرد خواهند بود، به همین دلیل اکنون در کنار راهبرد نفوذ در جریان های شیعی عراق، راهبرد سرمایه گذاری در حوزه های مختلف در عراق را پیاده سازی می کنند.

تاکنون سرمایه گذاری های عربستان سعودی به شکلی خاص مناطق سنی نشین را در بر می گرفت، اما در راهبرد کنونی این سرمایه گذاری ها مناطق شیعی نشین را شامل می شود و نمونه بارز اجرای این راهبرد استان «المتنی» با مرکزیت شهر «سماوه» است.

سرمایه گذاری سعودی ها در این استان آن هم در بخش کشاورزی بالطبع نمی تواند، امری تصادفی تلقی شود، بلکه اقدامی کاملاً حساب شده و از پیش برنامه ریزی شده است. از لحاظ موقعیت جغرافیایی استان المتنی به عنوان جنوبی ترین استان عراق، از جنوب با کشور عربستان و از شمال با دو استان نجف اشرف و ذی قار دارای مرزهای مشترک است.

این استان از لحاظ مساحت دومین استان بزرگ عراق با اکثریت شیعی و از استان های نفت خیز عراق است که از وجود یک پالایشگاه بزرگ و شبکه خط آهن که مدرن ترین شبکه خط آهن در عراق شمرده می شود، بهره می برد. علاوه بر اینکه خط لوله راهبردی انتقال نفت خام عراق از این عبور می کند.

استان المتنی با جمعیتی بالغ بر یک میلیون نفر دروازه جنوبی عراق برای ورود و دسترسی به مرکز این کشور شمرده می شود و اقتصاد آن بر کشاورزی بنا شده است و انتخاب این استان از سوی سعودی ها نشان می دهد، ریاض روی این استان برای اجرای راهبرد جدیدش حسابی ویژه باز کرده است.

در این راستا، سعودی ها حتی در تکاپوی ایجاد منطقه آزاد تجاری در شهر مرزی «عرعر»، در نزدیکی مرزهای عراق هستند و امیدوارند، این طرح اقتصادی پوشش مناسبی برای فعالیت های مزدوران این کشور داخل عراق ایجاد کند.

از سوی دیگر، ولی عهد عربستان نیر در دیدار با «جبار اللعیبی»، وزیر نفت عراق که به ریاض سفر کرده بود، از قصد ریاض جهت توسعه روابط با عراق را در همه زمینه ها به ویژه فرصت های مشترک همکاری اقتصادی، بازگشایی گذرگاه های مرزی، تشویق مبادلات بازرگانی و سرمایه گذاری بخش خصوصی عربستان در عراق، هماهنگ کردن سیاست های نفتی سخن گفته بود.

نفوذ در شخصیت ها و عشایر هم مرز با عربستان

سعودی ها در راستای رویکرد جدید خود، فعالیت در نقاط مرزی مشترک را در سطح دیگری نیز آغاز و تلاش کرده بودند، با شیوخ و سران عشایر و قبایل دور افتاده ترین مناطق جنوبی عراق ارتباط برقرار کرده، دوستی سران عشایر جنوب عراق را جلب کنند.

بخش دیگری از این تکاپوی سعودی زمانی نمود یافت که در بین میهمانان جشنواره سالانه «جنادریه» عربستان شخصیت های عراقی، از جمله از عشایر جنوب عراق نیز دیده می شدند.

برگزاری کنفرانس ها و نشست های متعدد را نیز باید به مجموعه تکاپوهای جدید سعودی ها افزود. این نشست ها اگرچه غیر رسمی و غیر علنی برگزار شده اند، اما هدف مشترک تمام آنها تحریک و تقویت ناسیونالیسم عربی و راه های مقابله با جمهوری اسلامی ایران بوده است.

در راستای این هدف، رسانه های سعودی گام اول را برداشته، تلاش کردند، این سفر را در راستای واگرایی بین جریان های سیاسی عراق و فاصله گرفتن آنها از ایران و مقابله با نفوذ ایران در عراق تعبیر و این پیام را ارسال کنند که مردم عراق خواهان عدم مداخله ایران در کشورشان هستند.

اگرچه ایران در عراق حضوری گسترده دارد و در راستای مناسبات بسیار نزدیک دو کشور، حمایت هایی از جریان های داخلی عراق به عمل آورده است، اما باید توجه داشت، جمهوری اسلامی ایران از همه جریان های سیاسی اعم از شیعه و سنی دفاع و حمایت می کند و به عقیده آنها احترام می گزارد و هیچ گاه سیاست خاصی را بر گروه یا جریان خاصی در عراق تحمیل نکرده است و اگر دخالتی هم از جانب ایران باشد، آنگونه که کشورهایی مانند عربستان ادعا می کنند، تنها در حد مشاوره بوده نه فراتر از آن. حتی حضور ایران در مبارزه با گروه داعش نیز بنا به موافقت دولت عراق صورت گرفته و به گفته مقامات این کشور اگر حضور ایران در مبارزه با داعش نبود، کار داعش امروز به اینجا ختم نمی شد و بغداد و اماکن مذهبی در عراق در خطر سقوط قرار می گرفتند.

جمهوری اسلامی طی این سال ها پیوسته از همزیستی مسالمت آمیز بین گروه های سیاسی عراق بر پایه مساوات و احترام متقابل حمایت و با سیاست های طائفه گرایانه در این کشور مخالفت کرده و پیشرفت عراق و برقراری ثبات و امنیت در این کشور را ثبات و امنیت خود دانسته و از دولت های برآمده از آرای مردم در این کشور حمایت کرده، چرا که منزوی کردن جریانی را به صلاح این کشور ندانسته و مشارکت تمامی جریان های سیاسی را در تصمیم گیری و پیشرفت و اعتلای عراق امری ضروری دانسته است.

در مقابل عربستان سعودی در طول این سال ها، صرف نظر از سرمایه گذاری های کلانش بر تقویت تروریسم در عراق، پیوسته بر طبل طائفه گرایی در این کشور کوبیده، همواره تلاش کرده، القا کند که شیعیان در صدد منزوی کردن اهل سنت هستند، سیاستی که در راهبرد جریان های سیاسی عراق جایگاهی ندارد و شیعیان در طول این سال ها با تصمیم گیری بجا و حسن نیت نشان دادند که دنبال انزوای جریان رقیب نیستند و مشارکت جریان های مختلف سیاسی در ساخت قدرت در عراق را به نفع عراق و آینده سیاسی و آبادانی این کشور می دانند و این سیاستی است که همچنان از سوی جریان های سیاسی شیعی دنبال می شود.

وقتی اماراتی ها نیز وارد میدان می شوند

سفر مقتدی صدر آن هم به دعوت رسمی اماراتی ها به ابوظبی و ارسال هواپیمایی اختصاصی برای انتقال وی به این کشور، حاوی پیام های متعددی نه تنها برای عراق بلکه برخی طرف های منطقه ای از جمله جمهوری اسلامی ایران است. اول آنکه این دعوت نشان داد، اماراتی ها رقابت تنگاتنگ با عربستان سعودی در پیرونده های منطقه ای را با جدیت و تلاش بیشتر ادامه داده و بر گستره آن افزوده و آن را تنها به عرصه یمن محدود نکرده اند.

از سوی دیگر، هم راستایی اماراتی ها و سعودی ها در جذب مقتدی صدر بر عمق و گستره توطئه تدارک دیده شده از سوی شیوخ عرب برای عراق و جمهوری اسلامی ایران تاکید می کند. به ویژه اگر به یاد بیاوریم که این تحرکات حتما با چراغ سبز آمریکایی ها و حمایت صهیونیست ها در حال انجام است.

برملا شدن چهره واقعی امارات در عراق

سفر مقتدی صدر به ابو ظبی ممکن است، این سوال را مطرح کند که امارات در جایی که سعودی ها تاکنون سعی کرده اند، بازیگر اثر گذار بر تحولات سیاسی و امنیتی عراق باشند، چه نقشی می تواند، در تحولات این کشور ایفا کند؟ واقعیت امر این است که اماراتی ها بر خلاف رقیب سر سخت اشان سعودی ها که تحرکات اشان در منطقه با سر و صدای بسیاری همراه است، ترجیح می دهند، آرام و به دور از جنجال رسانه ها اهداف خود را در کشورهای منطقه از جمله عراق محقق کنند.

اسناد و مدارکی در دست است که نشان می دهد، اماراتی ها از سال ها قبل نفوذ در عراق را آغاز کرده و در حال تبدیل شدن به یکی از بازیگران اثرگذار بر صحنه سیاسی و امنیتی عراق هستند.

در این خصوص می توان به وجود مستنداتی که تاکید می کند، اماراتی ها در کنار آمریکایی ها در جنایات ضد بشری زندان «ابو غریب» دست داشتند و یا باز گرداندن شرکت بد نام امنیتی آمریکایی «بلک واتر» که مرتکب جنایات ضد بشری و جرایم جنگی بی شمار طی براندازی رژیم بعث و سال های بعد از آن علیه مردم عراق شدند، با نام و نشان دیگر و در پوششی جدید به عراق اشاره کرد.

جدیدترین گزارش های محرمانه منتشر شده تاکید می کند که نگاه اماراتی ها هم اکنون بر عراق متمرکز شده و این کشور تلاش می کند، با سوء استفاده از راهبرد آمریکایی مقابله با نفوذ ایران در عراق، با حمایت و چراغ سبز کاخ سفید وارد عراق شود و در این راستا، نفوذ در عشایر اهل سنت عراق و خرید وفاداری آنها با دلارهای نفتی اولین گام در تحقق این هدف است، به ویژه آنکه برملا شدن نقش و اهداف واقعی سعودی ها در عراق و استفاده ابزاری آنها از عشایر اهل سنت عراق موجب روی گردانی آنها از عربستان شده و به ظن امارات این فرصتی بسیار مناسب برای نفوذ در این طیف از جامعه عراق است.

این گزارش تاکید می کند، اماراتی ها برای نفوذ در عراق و تحقق اهداف خود، از جمله کاهش نفوذ ایران، حتی از تبدیل عراق به یمنی دیگر نیز باک ندارند. اکنون با دعوت از مقتدی صدر، به نظر می رسد، اماراتی ها در کنار اهل سنت، سودای نفوذ در

شیعیان عراق را هم در سر می پروراند.

چرا مقتدی صدر دست به دامان سعودی ها و اماراتی ها شد

مقتدی صدر اگرچه از خاندانی ریشه دار است که همواره در صحنه سیاسی و دینی عراق حضور و فعالیت داشته، اما همواره مواضع و رویکردی تند و افراطی نسبت به موضوعات مختلف سیاسی اتخاذ کرده و همین موضوع موجب شده تا با دولت های روی کار آمده در عراق بعد از سال ۲۰۰۳ در تقابل باشد.

رویکردی که نه تنها رابطه وی با جمهوری اسلامی ایران را تحت الشعاع قرار داد و موجب روی گردانی تهران از رهبر جریان صدر، افزایش شکاف بین دو طرف و سرانجام محرومیت از حمایت های جمهوری اسلامی شد، بلکه لطمه ای بزرگ به پایگاه مردمی و محبوبیت وی نزد شیعیان عراق وارد کرد و بسیاری از تحلیلگران در تفسیر مواضع افراط گرایانه و رویکردهای تند وی، مقتدی صدر را آن روی سکه افراط گرایی سعودی در مکتب تشیع توصیف کرده اند.

به نوعی می توان این وجه مشترک را یکی از دلایل تقارب و نزدیکی مقتدی صدر و سعودی ها ارزیابی کرد. در این بین عواملی چون در پیش بودن انتخابات پارلمانی عراق بهار سال آینده و اهمیت آن برای دو طرف و نداشتن جایگاهی مطمئن و موضعی قدرتمند در این انتخابات آینده موجب نزدیکی صدر و سعودی ها به یکدیگر شده است.

در واقع صدر، سعودی ها و اماراتی ها به خوبی می دانند، نیازمند یک دیگر هستند. از یک سو، صدر که داخل عراق نه از محبوبیت مردمی و نه مقبولیت سیاسی و در سطح منطقه ای نه از حمایت جمهوری اسلامی بهره می برد، برای پیروزی در انتخابات نیازمند دلارهای نفتی و مزدوران داخلی سعودی ها و اماراتی ها در عراق است و از سوی دیگر، سعودی ها و اماراتی ها که همواره رویای نفوذ در عراق و مقابله با نفوذ ایران در این کشور را در سر می پروراند، محتاج ابزار نفوذی جدید، پس از سوختن بسیاری از مهره های آنها در عراق، برای ورود مجدد به صحنه سیاسی این کشور هستند.

زمان بندی سفر مقتدی صدر به عربستان و امارات

از سوی دیگر، زمان بندی سفر مقتدی صدر به ریاض و ابوظبی نیز حائز اهمیت بسیار است، این دیدار دقیقاً پس از آزادسازی موصل از دست داعش صورت پذیرفت. هدف مقتدی صدر از این سفر کم و بیش روشن است، او می خواهد از بی ثباتی عراق، در دوران پس از داعش و در آستانه همه پرسی استقلال کردستان، استفاده کند تا تأثیر و وزن خود را در داخل کشور بالا ببرد و با افزایش توان سیاسی خود و جریانش در معادلات سیاسی عراق و منطقه توان چانه زنی بیشتری در عرصه منطقه ای داشته باشد.

همان گونه که گفته شد، در این هرج و مرج و چند دستگی، به نظر می رسد که عربستان و امارات، جریان صدر را برای نزدیک شدن مناسب تر یافته است و از این طریق می خواهد، نفوذ خود را در عراق پسا داعش حفظ کند. بنابراین بعید نیست که عربستان و امارات در آینده به دنبال ارتباط بیشتر با جریانات شیعی در عراق باشد تا بتواند بر صحنه سیاسی عراق تأثیر داشته باشد.

مقوله نفوذ ایران در عراق و فهم نادرست صدر

بارها گفته شده یکی از وجه مشخصه های اصلی رهبر جریان صدر، مخالفت با نفوذ گسترده ایران در عراق است، این موضوعی است که مقتدی صدر نیز مکرراً به آن اشاره کرده است.

به نظر می رسد، رهبر جریان صدر در فهم این مقوله و انتقال آن دچار خطای بزرگی می شود، خطای مقتدی صدر در این مخالفت این است که برخلاف اکثر رهبران سیاسی عراق توجه ندارد، رابطه و یا نفوذ ایران در بدنه اجتماعی اهل تشیع عراق وابسته به جناح سیاسی نیست و جامعه شیعی عراق می داند که هیچ پشتیبانی جز ایران در سطح جهانی ندارد.

به همین دلیل اگر ماجرا به انتخاب میان ایران و شخصیتی از شخصیت های سیاسی عراقی محصور شود، قطعاً بدنه اجتماعی عراق به سمت ایران تمایل نشان خواهد داد و آن رهبر سیاسی هر چه قدر هم قدرتمند و با اصل و نسب باشد، اگر بخواهد، در مقابل بدنه اجتماعی پذیرنده ایران در عراق بایستد، قطعاً از طرف طرفداران خود نیز طرد خواهد شد، مخصوصاً اگر ماجرا انتخاب بین ایران و عربستان سعودی باشد.

بنابراین این موضوعی نیست که تنها مقتدی صدر را در عراق شامل شود، بلکه می تواند، هر شخصیت سیاسی و مذهبی دیگری همچون سید «عمار حکیم» و تاسیس حزب نوپایش «الحکمه الوطنی» را با هدف استفاده بهتر از ظرفیت جوانان عراق در این حزب و خدمت به کشور دربرگیرد.

خلاصه سخن

با توجه به عملکرد عربستان سعودی و امارات متحده عربی در کشتار شیعیان در جای جای جهان به ویژه عراق و با توجه به دیدگاه های خصومت بار وهابی ها علیه شیعیان نفرت و انزجار شیعیان عراق از وهابی ها، عربستان سعودی و امارات متحده امروزه به حدی است که ارتباط یک رهبر سیاسی شیعی با سعودی ها و اماراتی ها می تواند، نوعی خودکشی سیاسی به حساب آید و قطعاً صدر با انتخاب این گزینه قمار بزرگی انجام داده است.

اما اشتباه بزرگ سعودی ها و اماراتی ها در این است که با دعوت از مقتدی صدر، شاید بتوانند فقط شخص صدر را به سمت خود بکشند، اما نخواهند توانست بدنه اجتماعی شیعیان عراق را به سمت خود جذب کنند.

افزون بر آن، این سفرها در شرایطی صورت می گیرد که مردم یمن همچنان تحت بمباران شدید و محاصره همه جانبه سعودی ها و اماراتی ها قرار دارند و رژیم سعودی بیش از هشتاد روز است که با محاصره شهر العوامیه، در حال تخریب منازل و اماکن

متعلق به اهالی این شهر شیعه نشین است.